

## لازمه حضور زنان در جایگاه هیات‌رئیس، افزایش تعداد آنان در مجلس است

بهترین راه برای باز شدن پای زنان به جایگاه هیات‌رئیس مجلس، افزایش حضور آنان در صحن مجلس باشد؛ به عبارت دیگر، گروه‌ها، حزب‌ها و تشکلهای سیاسی هنگامی که قصد دارند فهرست انتخاباتی ارائه دهند، خود را ملزم کنند که به‌طور مثال ۳۰ درصد از فهرست‌ها را به زنان اختصاص دهند.

به گزارش سایت خبری پرسون، «فرصت از دست رفته» عنوان یادداشت روزنامه اعتماد به قلم طیبه سیاوشی است که در آن آمده: حضور زنان در منصب‌های قدرت و حاکمیتی، نسبت به چند دهه قبل بیشتر شده است، اما متأسفانه همچنان کم است و جای تامل دارد. شاید بسیاری بر این عقیده باشند که وقتی در رده‌های پایینی و حداکثر میانی تعداد زنان حاضر زیاد است، دیگر نیازی به این حضور در رده‌های بالاتر نباشد. اما اگر مشغولیت زنان رده‌های پایینی و میانی را زیاد در نظر بگیریم که البته متناسب است و نه زیاد، این موضوع نافی لزوم حضور زنان در رده‌های بالایی و حتی تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نمی‌شود. همان‌طور که در مناصبی مانند وزیر، استاندار و معاونت‌های مهم ریاست‌جمهوری (غیر از امور زنان و خانواده) زنان نه تنها کمترین بلکه هیچ حضوری ندارند، هیات‌رئیس مجلس نیز از این قاعده مستثنی نیست. در انتخابات اجلاس چهارم مجلس یازدهم، نه تنها هیچ زنی در بین اعضای منتخب نیست، بلکه حتی در میان نامزدها هم هیچ زنی حاضر نبود. واقعیت این است که عدم حضور زنان در هیات‌رئیس مختص این مجلس نبوده و اکثر مجالس پس از انقلاب، هیچ زنی در جایگاه هیات‌رئیس ننشسته است؛ جز یکی، دو استثنا که در مجلس ششم شاهد آن بودیم. متأسفانه این فرصت در مجلس یازدهم هم از دست رفت و باید به مجلس بعد امید داشت. اما شاید بتوان دلایل عدم حضور زنان در هیات‌رئیس را به سه دسته تقسیم کرد.

۱- تعریف مردانه از سیاست: عرصه سیاست در ایران و برخی نقاط دیگر جهان، دنیایی مردانه تعریف شده است و حتی برخی زنان نیز حضور در سیاست را نمی‌پسندند و این موضوع را امری مذموم تلقی می‌کنند. پیداست که در جامعه‌ای که تعریف غالب در آن، مردانه بودن سیاست است، حضور زنان جدی گرفته نمی‌شود و واگذاری بخشی از امور در مراتب بالا را به زنان نمی‌دهند.

۲- حضور کم تعداد: اینکه متأسفانه تعداد زنان حاضر در مجلس بسیار کم است. در یازدهم مجلسی که تاکنون جمهوری اسلامی به خود دیده است، فکر نمی‌کنم که در هیچ مجلسی تعداد زنان از ۲۰ نفر بیشتر شده باشد. حداکثر کرسی‌هایی که زنان در مجالس در اختیار داشتند، به مجلس دهم بازمی‌گردد که ۱۷ نفر بودیم. بنا بر این با چنین تعدادی مشخص است، نمی‌توان انتظار داشت که بتوان برای حضور زنان امتیازی از فراکسیون‌ها و گروه‌های سیاسی حاضر در مجلس گرفت.

۳- قدرت چانه‌زنی پایین: لابی و قدرت چانه‌زنی یکی از راه‌های حضور در صحنه سیاست است. اما به سبب همان مورد اول، زنان متأسفانه امکان فراگیری چنین قدرتی در دنیای سیاست ندارند و همواره به حاشیه رانده می‌شوند. وقتی صحبت از حضور زنان در مناصب مهم سیاسی می‌شود، برخی زنان را فاقد تجربه لازم می‌دانند؛ اما این نکته به چشم می‌آید که مردان منصب‌دار چگونه کسب تجربه کرده‌اند!

به عبارت دیگر می‌توان مورد اول را ریشه دو مورد دیگر دانست. وقتی در جامعه ما، برخی زنان معتقدند که «زن را چه به سیاست» نمی‌توان انتظار داشت که در آن جامعه نگاه مردسالارانه در سیاست حاکم نباشد.

اما در موضوع مجلس، متأسفانه هیچ اراده‌ای برای تبعیض مثبت درباره حضور زنان از سوی روسا و موثرین در مجلس دیده نمی‌شود که تنها به مجلس یازدهم محدود نبوده و شامل حال سایر ادوار نیز می‌شود البته غیر از مجلس ششم. در این شرایط حتی بعضاً حضور زنان در انتخابات هیات‌رئیس، پشتوانه و حمایت فراکسیون‌های عضو در آن را هم داشته‌اند، اما مشخص نیست که هنگام انجام انتخابات چه اتفاقی رخ می‌دهد که زنان نادیده گرفته می‌شوند.

در مجموع شاید بهترین راه برای باز شدن پای زنان به جایگاه هیات‌رئیس مجلس، افزایش حضور آنان در صحن مجلس باشد؛ به عبارت دیگر، گروه‌ها، حزب‌ها و تشکلهای سیاسی از هر طیفی، چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب، هنگامی که قصد دارند فهرست افراد مورد نظر برای انتخابات را ارائه دهند، خود را ملزم کنند که به‌طور مثال ۳۰ درصد از فهرست‌ها را به زنان متخصص و کاربلد که کم هم نیستند، اختصاص دهند. با افزایش حضور زنان در شمار نمایندگان، قاعدتاً زنان با تشکیل فراکسیون قدرتمند زنان، می‌توانند اثرگذاری زیادی در طرح‌ها و لوایح داشته باشند و همین‌طور در صندلی‌های هیات‌رئیس جای خود را پیدا کنند. این اقدام یک خوبی دیگر نیز دارد و آنکه فضای سیاست از حالت مردانه و به خصوص سیاسی‌بازی و سیاسی‌کاری‌های مرسوم بیرون می‌آید و فضای سیاست هوایی تازه پیدا می‌کند.